



غلامحسین حسن‌تاش

صنعت برق چالش خصوصی‌سازی

نکرد مجبور به پرداخت وجه آن باشد. البته تضمین خرید برق در قراردادهای وجود دارد اما بدون توجه به ابعاد مالی آن کفایت لازم را نخواهد داشت. علاوه بر این باید در مورد تأخیر در پرداخت‌ها نیز قوانین و مقررات کافی و قوی و نظام مناسب رسیدگی قضایی وجود داشته باشد که تنبیهات لازم را اعمال کرده و خسارت و عدم‌النفع تولیدکننده را جبران کند. در مجموع در قالب چارچوب‌های BOT و BOO و قراردادهای مربوط به آن که ذکر شد شرایط به‌گونه‌ای یک سویه است که حتی بعضی از کارشناسان در جدیت دست‌اندرکاران صنعت برق در امر خصوصی‌سازی تردید می‌کنند و مسأله را این‌گونه می‌بینند که دست‌اندرکاران صنعت برق برای انجام تعهداتشان برای تامین برق مورد نیاز آینده‌ی کشور، در شرایطی که با کمبود منابع مالی و به ویژه ارزی روبه‌رو هستند و با توجه به این که منابع صندوق ذخیره‌ی ارزی قانوناً باید به بخش خصوصی وام داده شود، از طریق این سیستم‌ها می‌خواهند به گونه‌ای بخش خصوصی را صرفاً واسطه‌ی تامین ارز قرار دهند ولی در عمل کنترل کامل همه‌چیز در اختیار خودشان باشد. □

برق کشور قرار گرفت که تفاوت اصلی آن با روش قبل این است که در این روش سرمایه‌گذار پس از ساخت و بهره‌برداری کماکان به صورت مالک باقی می‌ماند. کارنامه‌ی عملی روش اخیر نیز بی‌شبهت به کارنامه‌ی همان روش قبلی یعنی BOT نیست، بنابراین توضیح بیش‌تری در مورد آن ضروری به نظر نمی‌رسد. گاهی تصور شده است که بخش خصوصی BOT را به BOO ترجیح خواهد داد چون در آن تضمین‌های بیش‌تری برای فروش برق (به دلیل خرید تضمینی برق توسط دولت در این روش) و نیز بازگشت سرمایه وجود دارد. در نقطه‌ی مقابل بعضی تصور کرده‌اند که بخش خصوصی به دلیل قدرت مانور بیش‌تری از نظر کارآفرینی و مدیریتی، روش دوم را ترجیح خواهد داد. اما به نظر می‌رسد که مسأله‌ی کلیدی در جای دیگری است که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

اگر این دو تجربه به طور دقیق‌تر مورد مطالعه قرار گیرند روشن می‌شود که اساس روابط دولت (شرکت‌توانیر) با سرمایه‌گذاران در هر دو روش بر مبنای قراردادهای «تبدیل انرژی» موسوم به ECA بوده است که این قرارداد در ابتدا برای سرمایه‌گذاران BOT طراحی شد و با اندک تغییراتی برای BOO نیز به کار گرفته شد. براساس «قراردادهای تبدیل انرژی» سرمایه‌گذار نیروگاه را می‌سازد سوخت مورد نیاز که عمدتاً گاز طبیعی خواهد بود را از شرکت توانیر دریافت می‌کند و برق تولیدی را به شرکت مذکور می‌فروشد. اگر به خوبی به این فرآیند دقت شود ملاحظه می‌شود که در واقع سرمایه‌ی سرمایه‌گذار که عملاً به یک نیروگاه تبدیل می‌شود به عنوان یک حلقه در زنجیره‌ی انحصار کامل دولتی قرار می‌گیرد، این ساختار انحصاری به نظر نگارنده بزرگ‌ترین مشکلی است که در پیش روی سرمایه‌گذاران قرار دارد، یعنی: انحصار تک فروشنده از نظر تامین خوراک ورودی و انحصار تک‌خریدار از نظر فروش محصول. نکته‌ی جالب‌تر این است که این خریدار منحصر به فرد برق، خود به همراه شرکت‌های منطقه‌ای تابعه‌اش بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی برق کشور نیز هست یعنی در برق تولیدی نیز رقیب سرمایه‌گذار خصوصی است!

در دستگاه‌های دولتی متأسفانه اقدام به سرمایه‌گذاری‌ها چندان تابع تجزیه و تحلیل‌های شفاف اقتصادی، مطالعات فنی و اقتصادی و تجزیه و تحلیل هزینه و فایده نبوده و نیست اما سرمایه‌گذاری یک شرکت خصوصی به عنوان یک بنگاه حداکثرکننده سود تحت شرایط خاصی اقتصادی می‌شود به ویژه اگر پروژه بسیار سرمایه‌بر و پرریسک نیز باشد.

تا جایی که صاحب این قلم مطلع است اصل «یا برداشت کن یا در هر حال وجهش را پرداخت کن» Take Or pay در این قراردادها نیامده است در صورتی که در شرایطی که انحصار تک خریداری وجود دارد این اصل اهمیت زیادی دارد که اگر خریدار به تعهدات خود در مورد میزان برداشت برق تولیدی عمل

دیر زمانی است که مسوولان صنعت برق کشور در تلاش هستند که بخش خصوصی را در سرمایه‌گذاری برای ساخت نیروگاه‌های جدید وارد کنند. با توجه به روند رشد تقاضا و مصرف برق کشور این پیش‌بینی وجود دارد که ظرف ۱۰ سال آینده ظرفیتی در حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار مگاوات باید به نیروگاه‌های موجود کشور اضافه شود و این به معنای نیاز به احداث حدود ۳۰۰۰ مگاوات نیروگاه جدید در سال خواهد بود.

در صنعت برق برای وارد کردن بخش خصوصی در ابتدا روش BOT را به کار گرفتند. این روش به این معنا بود که یک شرکت خصوصی نیروگاهی را احداث کرده و در طول دوران بازگشت سرمایه آن را مورد بهره‌برداری قرار داده و نهایتاً پس از ۱۵ یا ۲۰ سال آن را به دولت (شرکت‌های دولتی مربوطه) منتقل کند. گرچه در موارد معدودی برخی از سرمایه‌گذاران بخش عمومی (نیمه‌دولتی) سرمایه‌گذاری‌هایی را در این زمینه به انجام رساندند اما این روش در مجموع با توفیق چندانی همراه نبود و به ویژه موفق نشد که بخش خصوصی واقعی را به این گونه سرمایه‌گذاری‌ها تشویق کند.

ژبعدها روش البته شناخته شده دیگری به عنوان BOO در این رابطه در دستور کار متولیان صنعت

